



## ابن شبرمه عبدالله بن شبرمه ضبی

ابن شبرمه، یا ابوشبرمه عبدالله بن شبرمه بن طفیل ضبی (۷۲-۱۴۴ق/ ۶۹۱-۷۶۱م)، قاضی و فقیه کوفی، از بنی ضبه بن اَدّ <sup>[۱]</sup> علی ابن حزم، جمهره انساب العرب، ج ۱، ص ۲۰۳، بیروت، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.  
<sup>[۲]</sup> علی ابن حزم، جمهره انساب العرب، ج ۱، ص ۲۰۴، بیروت، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.  
است.

### فهرست مندرجات

- ۱ - شخصیت و مقام اجتماعی
- ۲ - قاضی کوفه
- ۳ - رقابت با ابن ابی لیلی
- ۴ - نکته مهم در زندگی
- ۵ - دلیستگی به فقه
- ۶ - مشایخ و راویان حدیث
- ۷ - فقه بوین
- ۸ - فهرست منابع
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منبع

### شخصیت و مقام اجتماعی

او محدثی **فقه ولی کم حدیث** بود.  
<sup>[۳]</sup> احمد عجلی، تاریخ الثقات، ج ۱، ص ۲۵۹، به کوشش عبدالمعطی قلعجی، بیروت، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.  
اهل **الب** وی را به نکته سنجی و زبانی آوری ستوده‌اند  
<sup>[۴]</sup> عمرو جاحظ، البیان و التبیین، ج ۱، ص ۲۶۷، به کوشش حسن سندوبی، قاهره، ۱۳۵۱ق/ ۱۹۳۲م.  
از نحوه زندگی چنین برمی‌آید که آمیزش با مردم را بر انزواطلبی  
<sup>[۵]</sup> عبدالحمید ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۳۸، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۸ق/ ۱۹۵۸م.  
و کسب مقام اجتماعی و نزدیکی با حاکمان را بر شورش و همراهی با جریانهای مخالف **خلافت** وقت، ترجیح می‌داد. از جمله برای **ازدواج پسرش** از ابویوب موریانی **وزیر منصور عباسی** ۵۰ هزار **درهم** گرفت  
<sup>[۶]</sup> محمد ابن طقطقی، الفخری، ج ۱، ص ۲۳۷، به کوشش هارتویک درنیورگ، شالون، ۱۸۹۴م.  
و از عیسی بن موسی **ولی کوفه** درخواست کرد تا او را به **قضا** نصب کند  
<sup>[۷]</sup> عمرو جاحظ، البیان و التبیین، ج ۱، ص ۲۶۷، به کوشش حسن سندوبی، قاهره، ۱۳۵۱ق/ ۱۹۳۲م.  
او پیش از آمدن به کوفه نیز مدتی **ولی یمن** و **قاضی بصره** بوده است.  
<sup>[۸]</sup> محمد ابن سعد، الطبقات الکبیر، ج ۷، ص ۲۴۴، به کوشش زحانو و دیگران، لینن، ۱۹۰۷م.  
<sup>[۹]</sup> محمد ابن سعد، الطبقات الکبیر، ج ۷، ص ۲۴۵، به کوشش زحانو و دیگران، لینن، ۱۹۰۷م.  
<sup>[۱۰]</sup> احمد ابن عبدره، العقد الفرید، ج ۲، ص ۳۶۵، به کوشش احمد امین، و دیگران، بیروت، ۱۴۰۲ق/ ۱۹۸۲م.

### قاضی کوفه

در زمان حکومت **هشام بن عبدالملک** (حک ۱۰۵-۱۲۵ق/ ۷۲۴-۷۴۳م) از طرف **یوسف بن عمر ثقفی** از ۱۲۰ تا ۱۲۲ قاضی کوفه بود. در ۱۲۲ق به **سجستان** رفت و ابن ابی لیلی به جای او نشست.

- <sup>[۱۱]</sup> طبری، التاریخ، ج ۷، ص ۱۵۹، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۶۰-۱۹۶۸م.
- <sup>[۱۲]</sup> طبری، التاریخ، ج ۷، ص ۱۷۹، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۶۰-۱۹۶۸م.

[۱۳۲] طبری، التاریخ، ج ۷، ص ۱۹۱، به کوشش مجد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۶۰-۱۹۶۸م.

[۱۴۱] خلیفه بن خیاط، تاریخ، ج ۲، ص ۵۴۴، به کوشش سهیل زکار، دمشق ۱۹۶۸م.

[۱۵۱] ابن اثیر، الکامل، ج ۵، ص ۲۴۹.

ابن شبرمه احتمالاً آنکی پس از آن نیز در کوفه یا حوالی آن منصب را به عهده داشته است و شاید تا زمان عیسی بن موسی که در ۱۳۲ق/ ۷۵۰م والی کوفه شد، این مقام را حفظ کرده باشد

[۱۶۱] ابن اثیر، الکامل، ج ۵، ص ۴۴۵.

و همچنان در دوران حکومت منصور عباسی (۱۳۶-۵۸۸ق/ ۷۵۴-۷۷۵م) در حالی که عیسی بن موسی ولایت و ابن ابی لیلی (ه م) قضای شهر کوفه را به عهده داشتند، وی در سواد کوفه به قضا و سایر امور حکومت مشغول بوده است.

[۱۷۱] احمد عجلی، تاریخ الثقل، ج ۱، ص ۲۵۹، به کوشش عبدالمعطی قلجی، بیروت، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.

[۱۸۱] یحیی ابن معین، معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۵۸، به کوشش مجد کامل قصار، دمشق، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.

## رقابت با ابن ابی لیلی

ابن شبرمه شعرهایی طنز آمیز درباره ابن ابی لیلی سروده و در آنها وی را فاقد صلاحیت قضا دانسته و بر او که یسارین بلال بن اخیچه بن جلاح را پیریزرگ خود خوانده و به آن فخر کرده، خرده گرفته است

[۱۹۱] عمرو جاحظ، البیان و التنبین، ج ۱، ص ۲۶۷، به کوشش حسن سندوبی، قاهره، ۱۳۵۱ق/ ۱۹۳۲م.

[۲۰۱] عبدالله ابن قتیبه، المعارف، ج ۱، ص ۴۹۴، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، ۱۳۸۸ق/ ۱۹۶۸م.

احتمالاً انگیزه سرودن این اشعار رقابت وی با ابن ابی لیلی بر سر قضای کوفه بوده است. با اینهمه رابطه نزدیک بین این ۳ تن، یعنی آن والی و ابن دو قاضی را نمی‌توان از نظر دور داشت. اینان گاه شب‌ها با یکدیگر به گفت و گو می‌نشستند

[۲۱۱] مجد ابن سعد، الطبقات الکبیر، ج ۷، ص ۲۴۵، به کوشش زخائو و دیگران، لیدن، ۱۹۰۷م.

و عیسی در کارهای مهم سیاسی بدون مشورت این دو تصمیمی نمی‌گرفت، تا آنجا که وقتی منصور در ۱۴۷ق/ ۷۶۴م

[۲۲۱] طبری، التاریخ، ج ۸، ص ۷، به کوشش مجد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۶۰-۱۹۶۸م.

[۲۳۱] طبری، التاریخ، ج ۸، ص ۸، به کوشش مجد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۶۰-۱۹۶۸م.

عمویش عبدالله ابن علی را نزد عیسی فرستاد تا او را بکشد، عیسی با این دو مشورت کرد، ابن شبرمه او را از این کار بازداشت و گفت این دامی است که منصور برای کشتن تو پهن کرده است.

[۲۴۱] احمد عجلی، تاریخ الثقل، ج ۱، ص ۲۶۰، به کوشش عبدالمعطی قلجی، بیروت، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.

نقشه منصور این بود که هر دو را بکشد و از بیمشان آسوده گردد. چون برادران علی در این باره با منصور گفت و گو کردند، گفت: نزد عیسی است و چون پیش عیسی آمدند، گفت: به فرمان منصور او را کشتم، بار دیگر وقتی نزد منصور رفتند، او با خشمگین جلوه دادن خود گفت: به انتقام خون عمویم او را قضاصل خواهم کرد. چون این مسأله به قاضی ارجاع شد و عیسی حقیقت ماجرا را برملا کرد، منصور گفت خدا مرا بکشد اگر ابن شبرمه را نکشم، زیرا عیسی را نمی‌رسد که چنین زیرکی‌هایی داشته باشد. تاریخ نگاران نوشته‌اند که از این پس ابن شبرمه پیوسته خود را پنهان می‌کرد و سرانجام در اخفا جان سپرد.

[۲۵۱] احمد عجلی، تاریخ الثقل، ج ۱، ص ۲۶۰، به کوشش عبدالمعطی قلجی، بیروت، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.

[۲۶۱] علی مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۰۴-۳۰۵، بیروت، ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۵م.

شاید در همین اوان بود که با اندوه و تأثر از پذیرفتن چنین منصب‌هایی، به پسر خویش می‌گفت که پدرت از جلوی ایشان خورد و در هوسهای ایشان افتاد.

[۲۷۱] عمرو جاحظ، البیان و التنبین، ج ۳، ص ۹۷، به کوشش حسن سندوبی، قاهره، ۱۳۵۱ق/ ۱۹۳۲م.

[۲۸۱] عمرو جاحظ، البیان و التنبین، ج ۳، ص ۹۸، به کوشش حسن سندوبی، قاهره، ۱۳۵۱ق/ ۱۹۳۲م.

## نکته مهم در زندگی

نکته مهمی که در سرگذشت ابن شبرمه به چشم می‌خورد، این است که وقتی ابومسلم خر اسانی به کوفه آمد، ابن شبرمه به دیدار او رفت و چنین نشان داد که گویی با ابومسلم و اهدافش همسویی دارد. در همین دیدار وقتی ابومسلم شنید که او ضعی است، از وی روی در هم کشید، زیرا برخی از افراد این خانواده در جنگ جمل بر ضد حضرت علی (علیه‌السلام) جنگیده بودند. از این رو ابن شبرمه برای اینکه نظر ابومسلم را نسبت به خویش تغییر دهد، با حیل‌گری گفت من از ضربه کوفه‌ام نه از ضربه بصره!

[۲۹۱] مجد صولی، الاوراق، ج ۱، ص ۳۰۱، به کوشش ج هیورث - دن، لندن، ۱۹۳۶م.

[۳۰۱] احمد یعقوبی، التاریخ، ج ۲، ص ۳۶۱، بیروت، ۱۳۷۹ق/ ۱۹۶۰م.

[۳۱۱] علی ابن حزم، جمهرة انساب العرب، ج ۱، ص ۲۰۴، بیروت، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.

## دلبستگی به فقه

دلبستگی وی به فقه چندان بود که گاه با حارث بن یزید عکلی، قعقاع بن یزید و مغیره، پس از نماز عشا، برای مباحثه فقهی در مسجد می‌نشستند و تنها اذان صبح آنان را از یکدیگر جدا می‌کرد.

[۳۲۱] عبدالله دارمی، «السنن»، ج ۱، ص ۱۴۸، الکتب السنة، استانبول، ۱۴۰۱ق/ ۱۹۸۱م.

[۳۳۱] عبدالله دارمی، «السنن»، ج ۱، ص ۱۴۹، الکتب السنة، استانبول، ۱۴۰۱ق/ ۱۹۸۱م.

روایات او مورد توجه گردآورندگان منابع حدیثی اهل سنت چون بخاری

[۳۴۱] مجد بخاری، الصحیح، ج ۳، ص ۹۸، الکتب السنة، استانبول، ۱۴۰۱ق/ ۱۹۸۱م.

[۳۵۱] مجد بخاری، الصحیح، ج ۲، ص ۱۱۳، الکتب السنة، استانبول، ۱۴۰۱ق/ ۱۹۸۱م.

[۳۶۱] مجد بخاری، الصحیح، ج ۲، ص ۱۶۴، الکتب السنة، استانبول، ۱۴۰۱ق/ ۱۹۸۱م.

و نسنانی

- [۳۷] احمد نسائی، السنن، ج ۱۶، ص ۳۳۵، الکتب الستة، استانبول، ۱۴۰۱/ق ۱۹۸۱م.
- بوده است. مشرب قهقی او به اصحاب **رأی** یعنی مکتب **ابوحنیفه** (د ۱۵۰/ق ۷۶۷م) نزدیک بود و بر مهمترین مبنای قهقی این مکتب یعنی **قیلیس** پیوسته عمل می‌کرد و به آن توصیه می‌نمود.
- [۳۸] یعقوب بسوی، المعرفة والتاریخ، ج ۱، ص ۶۱۲، به کوشش اکرم ضیاء عمری، بغداد، ۱۳۹۴/ق ۱۹۷۴م.
- [۳۹] احمد خطیب بغدادی، الفقیه و المتفقه، ج ۱، ص ۲۰۴، به کوشش اسماعیل انصاری، دمشق، ۱۳۹۵/ق ۱۹۷۵م.
- وی چندان به ابوحنیفه نزدیک بود که حتی روزی او را برای معرفی نزد **امام صادق** (علیه‌السلام) برد و در محضر امام او را به داشتن فقه و **علم** ستود.
- امام در همین مجلس خطب به ابوحنیفه فرمود: **إِنَّ اللَّهَ وَلَا تَقْسُ الدِّينَ بِرَأْيِكَ...**
- [۴۰] زبیر بن بکار، الاخبار الموفیة، ج ۱، ص ۷۶، به کوشش سامی مکی غانی، بغداد، ۱۳۹۲/ق ۱۹۷۲م.
- در حدیثی دیگر امام صادق (علیه‌السلام) درباره این شبرمه می‌گوید که نظر این شبرمه در مورد قیاس سبب شده است که **دانش** او باطل شود و در همین زمینه این شبرمه را سخت مورد نکوهش قرار داده است.
- [۴۱] محمد کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۷، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت، ۱۴۰۱/ق ۱۹۸۱م.
- در حدیثی نیز که از **امام محمد باقر** (علیه‌السلام) نقل شده، نظر این شبرمه را در مسأله‌ای در باب **رضاع** خطا دانسته است.
- [۴۲] محمد کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۴۶، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت، ۱۴۰۱/ق ۱۹۸۱م.

## مشایخ و روایان حدیث

- این شبرمه از این سیرین، شعبی، ابوزرعه،
- [۴۳] محمد بخاری، التاریخ الکبیر، ج ۳، ص ۱۱۷، حیدرآباد دکن، ۱۴۰۲/ق ۱۹۸۲م.
- نوح بن دراج**،
- [۴۴] احمد خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۱۵-۳۱۷، قاهره، ۱۳۴۹ق.
- حسن بصری**، **سالم بن عبدالله بن عمر**
- [۴۵] یوسف مزی، تهذیب الکمال، ج ۹، ص ۱۶۱-۱۶۳، نسخه خطی کتابخانه احمد ثالث، شم ۲۸۴۸.
- و دیگران **حدیثی** روایت می‌کرد و سفیان بن عیینه، سفیان ثوری، وهیب بن خالد، سیف بن عمر تمیمی، معمر بن راشد، شعبه بن حجاج و گروهی دیگر از او حدیث نقل کرده‌اند.
- [۴۶] عبدالرحمن ابن ابی حاتم، الجرح و التعذیل، ج ۲، ص ۸۲، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۲/ق ۱۹۵۳م.
- [۴۷] یوسف مزی، تهذیب الکمال، ج ۹، ص ۱۶۱-۱۶۳، نسخه خطی کتابخانه احمد ثالث، شم ۲۸۴۸.

## فقه بودن

- رجال** شناسان **اهل سنت** او را **فقه** می‌دانند،
- [۴۸] عمر ابن شاهین، تاریخ اسماء الثقات، ج ۱، ص ۱۹۱، به کوشش عبدالمعطی امین قلجی، بیروت، ۱۴۰۶/ق ۱۹۸۶م.
- [۴۹] احمد عجلی، تاریخ الثقات، ج ۱، ص ۲۵۹، به کوشش عبدالمعطی قلجی، بیروت، ۱۴۰۵/ق ۱۹۸۵م.
- ولی **علمای** رجال امامیه نظرهای گوناگونی درباره او ابراز کرده‌اند. **طوسی**
- [۵۰] محمد طوسی، الرجال، ج ۱، ص ۹۷، نجف، ۱۳۸۰/ق ۱۹۶۱م.
- او را از اصحاب **امام سجاد** (علیه‌السلام) نکر کرده و **ابن داوود** او را **ممدوح** دانسته،
- [۵۱] حسن ابن داوود حلّی، کتب الرجال، ج ۱، ص ۲۰۶، به کوشش جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، ۱۳۴۲ش.
- اما **علامه حلّی** او را از متروکین به شمار آورده است.
- [۵۲] حسن علامه حلّی، الرجال، ج ۱، ص ۲۳۶، نجف، ۱۳۸۸/ق ۱۸۶۸م.
- ابن شهر آشوب** وی را شاعری پرهیزگار معرفی کرده است.
- [۵۳] محمد ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ج ۱، ص ۱۵۲، نجف، ۱۳۸۰/ق ۱۹۶۱م.

## فهرست منابع

- (۱) عبدالرحمن ابن ابی حاتم، الجرح و التعذیل، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۲/ق ۱۹۵۳م.
- (۲) عبدالحمید ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۸/ق ۱۹۵۸م.
- (۳) ابن اثیر، الکامل.
- (۴) علی ابن حزم، جمهرة انساب العرب، بیروت، ۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳م.
- (۵) حسن ابن داوود حلّی، کتب الرجال، به کوشش جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، ۱۳۴۲ش.
- (۶) محمد ابن سعد، الطبقات الکبیر، به کوشش زحانو و دیگران، لیدن، ۱۹۰۷م.
- (۷) عمر ابن شاهین، تاریخ اسماء الثقات، به کوشش عبدالمعطی امین قلجی، بیروت، ۱۴۰۶/ق ۱۹۸۶م.
- (۸) محمد ابن شهر آشوب، معالم العلماء، نجف، ۱۳۸۰/ق ۱۹۶۱م.
- (۹) محمد ابن طقطقی، الفخری، به کوشش هار تویک درنیورگ، شالون، ۱۸۹۴م.
- (۱۰) احمد ابن عبدربه، العقد الفرید، به کوشش احمد امین، و دیگران، بیروت، ۱۴۰۲/ق ۱۹۸۲م.
- (۱۱) عبدالله ابن قتیبیه، المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، ۱۳۸۸/ق ۱۹۶۸م.
- (۱۲) یحیی ابن معین، معرفة الرجال، به کوشش محمد کامل قصار، دمشق، ۱۴۰۵/ق ۱۹۸۵م.
- (۱۳) محمد بخاری، التاریخ الکبیر، حیدرآباد دکن، ۱۴۰۲/ق ۱۹۸۲م.
- (۱۴) محمد بخاری، الصحیح، الکتب الستة، استانبول، ۱۴۰۱/ق ۱۹۸۱م.
- (۱۵) یعقوب بسوی، المعرفة والتاریخ، به کوشش اکرم ضیاء عمری، بغداد، ۱۳۹۴/ق ۱۹۷۴م.
- (۱۶) عمرو جاحظ، البیان و التبیان، به کوشش حسن سندوبی، قاهره، ۱۳۵۱/ق ۱۹۳۲م.
- (۱۷) احمد خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، قاهره، ۱۳۴۹ق.

- (١٨) احمد خطيب بغدادى، الفقيه و المتفقه، به كوشش اسماعيل انصارى، دمشق، ١٣٩٥ق/ ١٩٧٥م.
- (١٩) خليفة بن خياط، تاريخ، به كوشش سهيل زكار، دمشق ١٩٦٨م.
- (٢٠) عبدالله دارمى، «السنن»، الكتب الستة، استانبول، ١٤٠١ق/ ١٩٨١م.
- (٢١) زبير بن بكار، الاخبار الموفقيت، به كوشش سامى مكى غانى، بغداد، ١٣٩٢ق/ ١٩٧٢م.
- (٢٢) محمد صولى، الاوراق، به كوشش ج هيوث - دن، لندن، ١٩٣٦م.
- (٢٣) طبرى، التاريخ، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، ١٩٦٠ - ١٩٦٨م.
- (٢٤) محمد طوسى، الرجل، نجف، ١٣٨٠ق/ ١٩٦١م.
- (٢٥) احمد عجلى، تاريخ الثقات، به كوشش عبدالمعطى قلجى، بيروت، ١٤٠٥ق/ ١٩٨٥م.
- (٢٦) حسن علامه حلى، الرجل، نجف، ١٣٨٨ق/ ١٨٦٨م.
- (٢٧) محمد كلينى، الكافي، به كوشش على اكبر غفارى، بيروت، ١٤٠١ق/ ١٩٨١م.
- (٢٨) يوسف مزى، تهذيب الكمال، نسخه خطى كتابخانه احمد ثالث، شم ٢٨٤٨.
- (٢٩) على مسعودى، مروج الذهب، بيروت، ١٣٨٥ق/ ١٩٦٥م.
- (٣٠) احمد نسائى، السنن، الكتب الستة، استانبول، ١٤٠١ق/ ١٩٨١م.
- (٣١) احمد يعقوبى، التاريخ، بيروت، ١٣٧٩ق/ ١٩٦٠م.

## پاڻويس

١. ↑ على ابن حزم، جمهرة انساب العرب، ج ١، ص ٢٠٣، بيروت، ١٤٠٣ق/ ١٩٨٣م.
٢. ↑ على ابن حزم، جمهرة انساب العرب، ج ١، ص ٢٠٤، بيروت، ١٤٠٣ق/ ١٩٨٣م.
٣. ↑ احمد عجلى، تاريخ الثقات، ج ١، ص ٢٥٩، به كوشش عبدالمعطى قلجى، بيروت، ١٤٠٥ق/ ١٩٨٥م.
٤. ↑ عمرو جاحظ البيان و التبيين، ج ١، ص ٢٦٧، به كوشش حسن سندي، قاهره، ١٣٥١ق/ ١٩٣٢م.
٥. ↑ [عبدالحميد ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ١٠، ص ٢٨، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، ١٣٧٨ق/ ١٩٥٨م.](#)
٦. ↑ محمد ابن ططقي، الفخرى، ج ١، ص ٢٣٧، به كوشش هار تويك درنورگ، شالون، ١٨٩٤م.
٧. ↑ عمرو جاحظ البيان و التبيين، ج ١، ص ٢٦٧، به كوشش حسن سندي، قاهره، ١٣٥١ق/ ١٩٣٢م.
٨. ↑ محمد ابن سعد، الطبقات الكبير، ج ٧، ص ٢٤٤، به كوشش زخاتو و ديگران، لينن، ١٩٠٧م.
٩. ↑ محمد ابن سعد، الطبقات الكبير، ج ٧، ص ٢٤٥، به كوشش زخاتو و ديگران، لينن، ١٩٠٧م.
١٠. ↑ احمد ابن عبدربه، العقد الفريد، ج ٢، ص ٣٦٥، به كوشش احمد امين و ديگران، بيروت، ١٤٠٢ق/ ١٩٨٢م.
١١. ↑ طبرى، التاريخ، ج ٧، ص ١٥٩، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، ١٩٦٠ - ١٩٦٨م.
١٢. ↑ طبرى، التاريخ، ج ٧، ص ١٧٩، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، ١٩٦٠ - ١٩٦٨م.
١٣. ↑ طبرى، التاريخ، ج ٧، ص ١٩١، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، ١٩٦٠ - ١٩٦٨م.
١٤. ↑ خليفة بن خياط، تاريخ، ج ٢، ص ٥٤٤، به كوشش سهيل زكار، دمشق ١٩٦٨م.
١٥. ↑ [ابن اثير، الكامل، ج ٥، ص ٢٤٩.](#)
١٦. ↑ [ابن اثير، الكامل، ج ٥، ص ٢٤٥.](#)
١٧. ↑ احمد عجلى، تاريخ الثقات، ج ١، ص ٢٥٩، به كوشش عبدالمعطى قلجى، بيروت، ١٤٠٥ق/ ١٩٨٥م.
١٨. ↑ يحيى ابن معين، معرفة الرجال، ج ١، ص ١٥٨، به كوشش محمد كامل قصار، دمشق، ١٤٠٥ق/ ١٩٨٥م.
١٩. ↑ عمرو جاحظ البيان و التبيين، ج ١، ص ٢٦٧، به كوشش حسن سندي، قاهره، ١٣٥١ق/ ١٩٣٢م.
٢٠. ↑ عبدالله ابن قتيبه، المعارف، ج ١، ص ٤٩٤، به كوشش ثروت عكاشه، قاهره، ١٣٨٨ق/ ١٩٦٨م.
٢١. ↑ محمد ابن سعد، الطبقات الكبير، ج ٧، ص ٢٤٥، به كوشش زخاتو و ديگران، لينن، ١٩٠٧م.
٢٢. ↑ طبرى، التاريخ، ج ٨، ص ٧، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، ١٩٦٠ - ١٩٦٨م.
٢٣. ↑ طبرى، التاريخ، ج ٨، ص ٨، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، ١٩٦٠ - ١٩٦٨م.
٢٤. ↑ احمد عجلى، تاريخ الثقات، ج ١، ص ٢٦٠، به كوشش عبدالمعطى قلجى، بيروت، ١٤٠٥ق/ ١٩٨٥م.
٢٥. ↑ احمد عجلى، تاريخ الثقات، ج ١، ص ٢٦٠، به كوشش عبدالمعطى قلجى، بيروت، ١٤٠٥ق/ ١٩٨٥م.
٢٦. ↑ على مسعودى، مروج الذهب، ج ٣، ص ٣٠٤ - ٣٠٥، بيروت، ١٣٨٥ق/ ١٩٦٥م.
٢٧. ↑ عمرو جاحظ البيان و التبيين، ج ٣، ص ٩٧، به كوشش حسن سندي، قاهره، ١٣٥١ق/ ١٩٣٢م.
٢٨. ↑ عمرو جاحظ البيان و التبيين، ج ٣، ص ٩٨، به كوشش حسن سندي، قاهره، ١٣٥١ق/ ١٩٣٢م.
٢٩. ↑ محمد صولى، الاوراق، ج ١، ص ٣٠١، به كوشش ج هيوث - دن، لندن، ١٩٣٦م.
٣٠. ↑ احمد يعقوبى، التاريخ، ج ٢، ص ٣٦١، بيروت، ١٣٧٩ق/ ١٩٦٠م.
٣١. ↑ على ابن حزم، جمهرة انساب العرب، ج ١، ص ٢٠٤، بيروت، ١٤٠٣ق/ ١٩٨٣م.
٣٢. ↑ عبدالله دارمى، «السنن»، ج ١، ص ١٤٨، الكتب الستة، استانبول، ١٤٠١ق/ ١٩٨١م.
٣٣. ↑ عبدالله دارمى، «السنن»، ج ١، ص ١٤٩، الكتب الستة، استانبول، ١٤٠١ق/ ١٩٨١م.
٣٤. ↑ محمد بخارى، الصحيح، ج ٣، ص ٩٨، الكتب الستة، استانبول، ١٤٠١ق/ ١٩٨١م.
٣٥. ↑ محمد بخارى، الصحيح، ج ٢، ص ١١٣، الكتب الستة، استانبول، ١٤٠١ق/ ١٩٨١م.
٣٦. ↑ محمد بخارى، الصحيح، ج ٢، ص ١٦٤، الكتب الستة، استانبول، ١٤٠١ق/ ١٩٨١م.
٣٧. ↑ احمد نسائى، السنن، ج ٦، ص ٣٣٥، الكتب الستة، استانبول، ١٤٠١ق/ ١٩٨١م.
٣٨. ↑ يعقوب بسوى، المعرفة و التاريخ، ج ١، ص ٦١٢، به كوشش اكرم ضياء عمري، بغداد، ١٣٩٤ق/ ١٩٧٤م.
٣٩. ↑ احمد خطيب بغدادى، الفقيه و المتفقه، ج ١، ص ٢٠٤، به كوشش اسماعيل انصارى، دمشق، ١٣٩٥ق/ ١٩٧٥م.
٤٠. ↑ زبير بن بكار، الاخبار الموفقيت، ج ١، ص ٧٦، به كوشش سامى مكى غانى، بغداد، ١٣٩٢ق/ ١٩٧٢م.
٤١. ↑ محمد كلينى، الكافي، ج ١، ص ٥٧، به كوشش على اكبر غفارى، بيروت، ١٤٠١ق/ ١٩٨١م.

۴۲. [↑](#) محمد کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۴۶، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت، ۱۴۰۱/ق/ ۱۹۸۱م.
۴۳. [↑](#) محمد بخاری، التاريخ الكبير، ج ۳، ص ۱۱۷، حیدرآباد دکن، ۱۴۰۲/ق/ ۱۹۸۲م.
۴۴. [↑](#) احمد خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۱۵-۳۱۷، قاهره، ۱۳۴۹ق.
۴۵. [↑](#) یوسف مزنی، تهذیب الکمال، ج ۹، ص ۱۶۱-۱۶۳، نسخه خطی کتابخانه احمد ثالث، شم ۲۸۴۸.
۴۶. [↑](#) عبدالرحمان ابن ابی حاتم، الجرح و التعديل، ج ۲، ص ۸۲، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۲/ق/ ۱۹۵۳م.
۴۷. [↑](#) یوسف مزنی، تهذیب الکمال، ج ۹، ص ۱۶۱-۱۶۳، نسخه خطی کتابخانه احمد ثالث، شم ۲۸۴۸.
۴۸. [↑](#) عمر ابن شاهین، تاریخ اسماء الثقات، ج ۱، ص ۱۹۱، به کوشش عبدالمعطی امین قلجی، بیروت، ۱۴۰۶/ق/ ۱۹۸۶م.
۴۹. [↑](#) احمد عجلی، تاریخ الثقات، ج ۱، ص ۲۵۹، به کوشش عبدالمعطی قلجی، بیروت، ۱۴۰۵/ق/ ۱۹۸۵م.
۵۰. [↑](#) محمد طوسی، الرجال، ج ۱، ص ۹۷، نجف، ۱۳۸۰/ق/ ۱۹۶۱م.
۵۱. [↑](#) حسن ابن داوود طی، کتب الرجال، ج ۱، ص ۲۰۶، به کوشش جلال الدین حسینی ارموی، تهران، ۱۳۴۲ش.
۵۲. [↑](#) حسن علامه طی، الرجال، ج ۱، ص ۲۳۶، نجف، ۱۳۸۸/ق/ ۱۸۶۸م.
۵۳. [↑](#) محمد ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ج ۱، ص ۱۵۲، نجف، ۱۳۸۰/ق/ ۱۹۶۱م.

#### منبع

[دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، برگرفته از مقاله «ابن شبرمه»، ج ۴، ص ۱۳۶۷.](#)

رده‌های این صفحه: [اصحاب امام سجاد](#) | [تراجم](#) | [حدیث شناسی](#) | [رجال](#) | [محدثین اهل سنت](#)